

انجیل درباره محمد چه می گوید؟

شیخ احمد دیات

« قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَ شَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ قَامَنَ وَ اسْتَكْبَرْتُمْ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ » (احقاف/۱۰)

مترجم: علی حسن نیا^۱

چکیده

انجیل درباره محمد چه می گوید ترجمه سخنرانی زیبا و عالمانه شیخ احمد دیات، عالم بزرگ اهل سنت، از اصل انگلیسی آن با عنوان *What the Bible says about Muhammad* است. این سخنرانی زیبا روایت شیخ از ماجرای است که خود در ایام جوانی در جریان یک مناظره طولانی و علمی با دو تن از کشیش های صاحب نام مسیحی داشته و موضوع بحث، بشارت ها و اشارات به ظهور پیامبر خاتم النبیین است که در کتاب مقدس ذکر شده و متأسفانه علمای اهل کتاب آنها را به چیزهای دیگری ربط داده اند.

کلیدواژه ها: احمد دیات، انجیل، عیسی، مسیح، بشارت، محمد ﷺ، پیامبر

جناب رئیس، خانم ها و آقایان!

موضوع گفت و گوی امشب - انجیل درباره محمد چه می گوید - بدون شک بسیاری از شما را متحیر خواهد ساخت، چرا که سخنران، یک مسلمان است. چگونه می شود که - از قضا - یک مسلمان به شرح و تفسیر پیش گویی های کتب مقدس یهود و مسیح می پردازد؟
به عنوان یک جوان، تقریباً چهل سال پیش در سلسله ای از سخنرانی های مذهبی شرکت می کردم که توسط یک متکلم مسیحی - جناب کشیش هیتن (Rev. Hiten) - در سالن «تئاتر سلطنتی» (Theatre Royal) در دُرین ایراد می شد.

۱- کارشناس ارشد علوم حدیث و تفسیر انجیل.

این کشمکش معتبرم که پیش‌گویی‌های انجیل را بارها می‌کرده، در ادامه سخنرانی خود به اثبات این مطلب پرداخته ده انجیل ظهور «جمهوری شوروی» و نیز «تأخیرالزمان» را پیش‌گویی کرده است و در یک مورد تا آن‌جا پیش رفت که اثبات کند انجیل هیچ چیز حتی پاپ را در پیش‌گویی‌هایش جا نینداخته است. او آنقدر سخنرانی خود را طول و تفصیل داد تا حضار را متقاعد سازد که منظور از «جانور ۶۶۶» (Beast ۶۶۶) که در کتاب وحی (The Book of Revelation) آخرین کتاب از عهد جدید... از آن نام برده می‌شود، همان پاپ، خلیفه مسیح در زمین، است. البته، شایسته ما مسلمانان نیست که در مجادله بین کاتولیک‌های روم و پروتستان‌ها دخالت کنیم. ضمن این‌که، آخرین تفسیر مسیحیت از «جانور ۶۶۶»، ذکر شده در انجیل مسیحیان، دکتر هنری کیسینگر (Henry Kissinger) است^۱ و دانشمندان مسیحی با زیرکی و تلاش فراوان می‌کوشند تا این ادعا را اثبات کنند.

سخنرانی‌های کشیش هیتون مرا برانگیخت تا از خود پیروم که اگر انجیل این همه را پیش‌گویی کرده به گونهای که حتی پاپ و اسرائیل را نادیده نگرفته است، پس به یقین باید چیزهایی درباره بزرگ‌ترین ولی نعمت بشر^۲... پیامبر اکرم محمد... گفته باشد.

به عنوان یک جوان کم سن و سال منضم شدم تا خواب را بیایم؛ از این رو یکی پس از دیگری به ملاقات کشیش‌ها رفتم، در سخنرانی‌ها شرکت کردم و هر آنچه را که به آن دست می‌رفتم و با پیش‌گویی‌های انجیل در ارتباط بود می‌خواندم. اشتباه نبود تا آنجا که از این مذاکراتم را، که با یک کشیش^۳ هلندی از کلیسای اصلاحی هلند (Dutch Reformed Church) انجام دادم، برای شما نقل کنم.

نمایش مقرب

سپه ۵۵۰ شافینی

به مناسبت جشن تولد پیامبر اکرم محمد برای ایران سخنرانی به فراوانی^۴ دعوت شده بودم. از آنجایی که می‌دانستم در این استان این جمهوری زبان آفریقایی به صورت گسترده^۵ می‌توسط مردم

سال پنجم / شماره هفدهم

۱- Durban (از جمله شهرهای بزرگ و بندری آفریقای جنوبی)

۲- مفسران مسیحی برای انجیلی ارزش‌های شمارگان اسرائیل را شماره ۶۶۶ می‌دانند. تا سرجمع به عدد ۶۶۶ برسند: $6 \times 6 = 36$, $6 \times 12 = 72$, $6 \times 24 = 144$ و به همین ترتیب تا پایان توالی شش‌گانه این عبارت است. که جانور انجیل ۶۶۶ است. از دربار دکتر کیسینگر (Dr. Kissinger) امتحان کنید.

۳- نویسنده هم چنین سخنرانی دیگری در سالن شهر کوپن در تاریخ دهم بهمن سال ۱۳۷۵ در موضوع محمد بزرگ‌ترین و ابراهام نموده است.

۴- نویسنده از واژه "Evangelium" استفاده کرده که به معنی آفریقای می‌باشد. "predikant" و "pauzer predikant" معنی کلیسای اصلاحی است.

۵- در استان‌های جمهوری آفریقای جنوبی.

خودم، صحبت می‌شود، احساس کردم که باید بریده‌هایی را از آن زبان، مرا گیرم تا در بین مردم آن‌جا کمی احساس خودمانی کنم. اعضای تلفن، را باز کرده و مشغول تلفن کردن به کلیساهای آفریقایی زبان شدم. منظورم را با کشیش‌هایی که تمایل داشتند با آنها گفت‌وگو کنم در میان گذاشتم، اما هر کدامشان خواسته‌ها را به بهانه‌ای رد کردند. شماره سیزده شماره خوش‌شانسی من بود؛ با سیزدهمین تلفن خوشحال و راحت شدم. کشیشی به اسم ون هیردن (Van Heerden) قبول کرد که مرا در بعد از ظهر روز دوشنبه، روزی که در آن روز عازم ترانس وال بودم، در خانه‌اش ملاقات کند.

او به گرمی مرا در ایوان خانه‌اش به حضور پذیرفت و گفت اگر از نظر من اشکالی ندارد تمایل دارد پدر خانمش، که صدی «ستاد ساله و اهلی فری استیت (ایالت آزاد) (Free State) بود، در گفت‌وگوی ما شرکت کند. مخالفتی نکردم و سه نفری در کتابخانه جناب کشیش نشستیم.

چرا هیچ چیز؟

در آغاز سخن، من این پرسش را مطرح کردم: «انجیل دربارهٔ محمد چه می‌گوید؟» و او بدون درنگ پاسخ داد: «هیچ چیز». پرسیدم: «چرا هیچ چیز؟ طبق برداشت‌های شما، انجیل دربارهٔ ظهور جماهیر شوری، آخرالزمان و حتی پاپ کاتولیک‌های روم، حرف‌های گفتمنی بسیاری دارد». او گفت: «بله، اما دربارهٔ محمد چیزی وجود ندارد». بار دیگر پرسیدم: «چرا هیچ چیز؟ نسکی نیست که این مرد، یعنی محمد، کسی است که متوالی ایجاد یک گسترده جهانی مشکل از میلیون‌ها مسلمان است، و آنها با تاسی به وی به تولد اعجازگونه عیسی، مسیح بودن عیسی، و این که عیسی به اذن خداوند به مردگان حیات می‌داده و کور مادرزاد و جزامی را شفا می‌بخشد». اعتقاد دارید به یقین این کتاب (انجیل) بایستی دربارهٔ این رهبر بزرگ بشریت، که این چنین زویا از عیسی و مادرش سریم سخن گفته است، چیزی داشته باشد». بر مرد فری استیتی گفت: «پس ما من پنجاه سال است که انجیل را می‌خوانم. اگر نامی از او در آن بود بی‌شک از آن آگاه می‌شدم.»

پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

هیچ کس، یا نام؟

پرسیدم: «بر اساس نظر شما، آیا در رابطه با ظهور عیسی، عهدما بشارت در عهد قدیم وجود ندارد؟» «نامش کشیش سخنم را قطع کرد و گفت: «عهدما نه، بلکه هزاران!» گفتیم: «در این‌جا نمی‌خواهم بحث کنم که یک بشارت در رابطه با ظهور عیسی در عهد قدیم آمده است یا هزار تا، زیرا تا در حال حاضر همه»

۱- واژه «مسیح» از واژهٔ عبری ز «مسیح» به معنای مالش دادن (آیا یا روغن مالش دادن)، یغام و anointment اهمیت دینی «کسی است که anoint می‌شود». کشیش و پادشاه در تقدیس دفتر خود anoint شدند. مسیح که با Christ ترجمه می‌شود به معنای خدا نیست. اگر چه بسیاری غیر مسیحی در انجیل "Christ" نامیده می‌شود. (اشعیا ۶۰ : ۱)

مسلمانان در سراسر دنیا به او اعتقاد دارند بدون این که نیازی به گواهی انجیل باشد. ما مسلمانان حقیقت عیسی را تنها به واسطه محمد پذیرفته‌ایم و هم‌اکنون دست‌کم یک میلیون پیرو محمد در دنیا وجود دارد که به این رسول بزرگ خداوند - عیسی مسیح - عشق ورزیده و احترام می‌گذارند، بی آن که نیازی باشد مسیحیان با جدل‌های منطقی و انجیلی آنان را متقاعد کنند. اما، در میان این هزار بشارت مورد نظر، آیا می‌توانید تنها یک مورد را به من نشان دهید که در آن نام عیسی آمده باشد؟ واژه Messiah که به Christ ترجمه می‌شود، یک نام نیست، بلکه یک لقب است. آیا بشارتی وجود دارد که بگوید نام مسیح عیسی، نام مادرش مریم و نام پدرش - به اصطلاح - یوسف نجار خواهد بود و وی در قلمرو حکومت پادشاه هرود به دنیا خواهد آمد و غیره و غیره؟ نه! چنین جزئیاتی وجود ندارد! با این حال چگونه می‌توانید نتیجه بگیرید که آن هزار بشارت به عیسی برمی‌گردد؟

بشارت چیست؟

جناب کشیش پاسخ داد: «شما می‌دانید که پیش‌گویی‌ها تصاویر بیانی چیزهایی است که قرار است در آینده حادث شود. هنگامی که وقوع جریانی به حقیقت می‌پیوندد، در این پیش‌گویی‌ها اجرای دقیق آن چه را که در گذشته پیش‌بینی شده است به روشنی می‌بینیم.» گفتم: «این کار شما در حقیقت استنتاج کردن، دلیل آوردن و دو را کنار دو قرار دادن است.» گفت: «بله» گفتم: «اگر این آن چیزی است که شما باید با هزار بشارت آن‌جام دهید تا ادعایتان را درباره حقیقت عیسی توجیه کنید، چرا نباید نظامی دقیقاً شبیه همین نظام را برای محمد در پیش بگیریم؟» جناب کشیش پذیرفت که این یک پیشنهاد منصفانه و شیوه‌ای معقول در برخورد با مشکل است.

از او خواستم تا سفر تثبیه، فصل ۱۸، آیه ۱۸ را باز کند و او این کار را کرد. من از حفظ این آیه را به زبان آفریقایی خواندم، زیرا با این کار می‌خواستم زبان نژاد متداول آفریقایی جنوبی را تمرین کنم:

"N PROFEET SAL EK VIR HULLE VERWEK UIT DIE MIDDE VAN HULLE BROERS. SOOS JY IS. EN EK SAL MY WOORDE IN SY MOND I.E. EN HY SAL AAN HULLE SE ALLES WAT EK HOM BEVEEL. (Deut. 18: 18)

ترجمه انگلیسی آن این‌گونه است:

«محمد در انجیل قول‌های سلمان، (the Song of Solomon 5: 16) با نام ذکر می‌شود. واژه عبری که در آن‌جا به کار رفته است Mahammuddim است. حروف پایانی im جمع است برای واژه‌های respect (احترام)، majesty (بزرگوئی) و grandeur (بزرگواری). بدون im این نام Mahammudd خواهد بود که در ترجمه رسمی انجیل به «اسما» ریند یا «السان» مورد ستایش، یعنی کسی که اثرش ستوده شدن را دارد (محمد). ترجمه می‌شود

«من از میان برادرانشان پیامبری برای آنها برخوامم انگيخت، شبیه تو، و کلماتم را در دهان او قرار خواهم داد و او با آنان سخن خواهد گفت همه آن چه را که من به او فرمان خواهم داد.»^۱

پیامبری شبیه موسی

همچنان که این آیه را به آفریقایی تلاوت می‌کردم به خاطر تلفظ غیر دقیقم عذرخواهی کردم. جناب کشیش به من تضمین داد که تلفظ خوب است. پرسیدم: «این بشارت به چه کسی اشاره دارد؟» بدون درنگ پاسخ داد: «عیسی.» پرسیدم: «چرا عیسی؟ نام او که در این جا ذکر نشده است!» جناب کشیش گفت: «نظر به این که پیش‌گویی‌ها تصاویر بیانی از چیزی است که قرار است در آینده اتفاق بیفتد، برداشت ما این است که عبارت‌پردازی این آیه به اندازه لازم معرف او است. ببینید! مهم‌ترین کلمات این بشارت اینها است: «SOOS JY IS (like unto thee)»؛ «شبیه تو - شبیه موسی»، و عیسی شبیه موسی است. پرسیدم: «چگونه عیسی شبیه موسی است؟» پاسخ داد: «اولاً موسی یهودی بود، عیسی نیز یهودی است؛ ثانیاً موسی پیامبر بود، عیسی نیز پیامبر است؛ بنابراین عیسی شبیه موسی است و این دقیقاً همان چیزی است که خداوند پیش از این به موسی گفته بود (SOOS JY IS)» پرسیدم: «آیا شباهت دیگری بین موسی و عیسی سراغ دارید؟» جناب کشیش گفت که به موارد دیگری برخورد نکرده است. من خود پاسخ دادم: «اگر اینها تنها ممیزه‌های تشخیص فردی برای بشارت آمده در سفر تثئیه: ۱۸ / ۱۸ است، در این صورت این ملاک‌ها می‌تواند بر هر شخص دیگری از انجیل که بعد از موسی آمده است صادق باشد؛ یعنی، سلیمان، اشعیا، ترفیال، دانیال، هوشع، یونیل، مالاکی، یحیی تعمیل‌دهنده و غیره، زیرا همه آنها هم یهودی و هم پیامبر بودند. چرا نباید این بشارت را بر یکی از این پیامبران تطبیق دهیم؟ و چرا فقط عیسی؟ چرا یکی را جدا کنیم و دیگران را رها سازیم؟ جناب کشیش پاسخی نداد. ادامه دادم: «ببینید! نتیجه‌گیری من این است که عیسی تا حد زیادی شبیه موسی نیست. اگر اشتباه می‌کنم، دوست دارم راهنمایی‌ام کنید.»

سه تفاوت

شروع کردم به استدلال کردن با او: «اول این که، عیسی شبیه موسی نیست، چون بر اساس نظر شما «عیسی یک خدا است» در حالی که موسی خدا نیست؛ درست است؟» گفت: «بله». گفتم: «پس عیسی شبیه موسی نیست!»

1 . "I will raise them up a Prophet from among their brethren, like unto thee, and I will put my words in his mouth; and he shall speak unto them all that I shall command him".

«ثانیاً: طبق نظر شما - عیسی برای گناهان مردم این دنیا مرده، اما موسی مجبور نبود برای گناهان این دنیا بمیرد؛ درست است؟» او بار دیگر گفت: «بله». گفتیم: «پس عیسی شبیه موسی نیست!»

«ثالثاً: بر اساس نظر شما، عیسی سه روز به دوزخ رفت، اما موسی مجبور نبود به آنجا برود؛ درست است؟» او به آهستگی و مودبانه پاسخ داد: «ب - ل - ه». و من نتیجه گرفتم: «پس عیسی شبیه موسی نیست!»

ادامه دادم: «اما جناب کشیش! اینها واقعیت‌های قرص، محکم و بارزی نیست. تنها یک سری عقیده است که مردم عادی هم می‌توانند با آنها برخورد داشته و به آنها دست یابند. اجازه دهید بسیار ساده صحبت کنم تا اگر از مردم عادی شما خواسته شود تا به این بحث گوش دهند، در پی‌گیری آن دچار مشکل نشوند. اجازه هست؟» جناب کشیش نسبتاً از این پیشنهاد خرسند شد.

۱- پدر و مادر

«موسی یک پدر و یک مادر داشت. محمد نیز یک پدر و یک مادر داشت. اما عیسی فقط یک مادر داشت و هیچ پدر بشری نداشت. درست است؟» گفت: «بله». گفتیم:

"!DAAROM IS JESUS NIE SOOS MOSES NIE, MAAR MUHUMMED IS SOOS MOSES"

یعنی: «بنابراین عیسی شبیه موسی نیست، اما محمد شبیه موسی است!»
 (اکنون از آنجایی که خواننده تشخیص خواهد داد که من از زبان آفریقایی تنها برای نتیجه‌گیری استفاده می‌کردم، از این پس برای این عبارت، نقل آفریقایی آن را به کار نخواهم برد.)

۲- تولد اعجاز‌آمیز

«موسی و محمد به صورت عادی و طبیعی متولد شدند؛ یعنی در تعامل فیزیکی بین مرد و زن، اما عیسی بر اثر یک معجزه خاص متولد شد. به خاطر خواهید آورد که در انجیل متی قدیس به ما گفته می‌شود: «... قبل از آن که آنان با یکدیگر ازدواج کنند (یوسف نجار و مریم)، مریم توسط روح القدس آستین شد.» (متی: ۱۸: ۱)

و لوقای قدیس به ما می‌گوید: «آن‌گاه که خیر خورش تولد پسری مقدس به مریم اعلام شد، او با خود گفت:

«... چگونه چنین چیزی ممکن است، دست هیچ مردی به من نرسیده است؟ و فرشته در پاسخ به او گفت: روح القدس بر تو نازل خواهد شد و قدرت خدا بر تو سایه خواهد افکند.» (لوقا: ۱: ۳۵-۳۶)

1. "..... Before they came together, she was found with child by the Holy Ghost." (Matthew 1: 18)

2. "..... How shall this be, seeing I know not man? And the Angel answered and said her, the Holy Ghost shall come upon thee, and the power of the Highest shall overshadow thee ..." (Luke 1: 35)

قرآن کریم تولد اعجازگونه عیسی را در عباراتی بهتر، والاتر و شگفت‌انگیزتر تأیید می‌کند؛ در پاسخ به سؤال منطقی مریم می‌گوید:

«مریم [گفت: پروردگارا چگونه مرا فرزندی خواهد بود با آن که بشری به من دست نزده است؟] فرشته | پاسخ داد: چنین است [کار] پروردگار، خدا هر چه بخواهد، می‌آفریند، چون به کاری فرمان دهد فقط به آن می‌گوید باش پس می‌باشد.»^۱

خداوند نیازی ندارد که تخمی را در انسانی یا حیوانی بکارد؛ او فقط آن را می‌خواهد و آن به وجود می‌آید. این بینش اسلام در مورد تولد عیسی است. (وقتی آیات تولد عیسی را از قرآن و انجیل با یک‌دیگر مقایسه کردم و به رئیس جامعه انجیلی بزرگ‌ترین شهرمان عرضه کردم، از آنها پرسیدم: «ترجیح می‌دهید کدام آیات را به دخترتان نسبت دهید، آیه قرآنی یا آیه انجیلی؟» او سرش را فرود آورد و گفت: «آیه قرآنی»). خلاصه، به جناب کشیش گفتم: «آیا درست است که عیسی به شکل معجزه‌آسایی بر خلاف تولد طبیعی موسی و محمد به دنیا آمد؟» او با افتخار پاسخ داد: «بله!» گفتم: «پس عیسی شبیه موسی نیست و محمد شبیه موسی است. و خداوند در سفر تثنیه: ۱۸ / ۱۸ به موسی می‌گوید: «شبیهِ تو (شبیهِ موسی) و محمد شبیه موسی است.»

۳- پیوندهای ازدواج

«موسی و محمد ازدواج کرده و بچه‌دار شدند، اما عیسی تا پایان عمر مجرد باقی ماند. درست است؟» جناب کشیش گفت: «بله». گفتم: «پس عیسی شبیه موسی نیست و محمد شبیه موسی است.»

۴- عیسی رانده‌شده قوم

«موسی و محمد از سوی قومشان در همان زمان حیاتشان به عنوان پیامبر مورد پذیرش قرار گرفتند. بدون تردید یهودیان اسباب دردسر بی‌حد و حصری برای موسی شدند و...، اما در جایگاه یک امت به رسالت موسی از جانب خداوند اقرار کردند. اعراب نیز زندگی را بر محمد غیرممکن ساختند؛ او به شکنجه بسیار بدی در میان آنها رنج دید. بعد از سیزده سال تبلیغ در مکه، مجبور شد از زادگاهش هجرت کند. با این حال پیش از رحلتش، تمام جامعه عرب او را به عنوان پیامبر خداوند پذیرفتند. اما طبق گفته انجیل: «او (عیسی) به سوی قومش آمد، اما آنها او را نپذیرفتند.» (انجیل یوحنا: ۱ / ۱۱)

۱- «قَالَتْ رَبِّ أُنَّىٰ يُكُونُ لِي وَلَوْلَا ظَنُّهُ بِشَرِّ مَا يَمْسُقُنِي بَشَرًا قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَتَخَلَّقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.» (قرآن کریم: آل عمران / ۴۷)

۲. "He came unto his own, but his own received him not." (John 1:11)

و حتی امروزه بعد از گذشت دو هزار سال، مردمانش؛ یعنی یهودیان، همگی او را انکار می‌کنند. درست است؟» جناب کشیش گفت: «بله». گفتیم: «پس عیسی شبیه موسی نیست، اما محمد شبیه موسی است.»

۵- تعبیری دیگر از پادشاهی

«موسی و محمد هم پیامبر بودند و هم پادشاه. منظور من از پیامبر در این جا انسانی است که وحی الهی را برای راهنمایی بشر دریافت می‌کند و راهنمایی او نسبت به خلائق خداوند همان گونه است که دریافت کرده، بدون هیچ کم و زیادی. پادشاه کسی است که قدرت زندگی و مرگ را نسبت به مردم خود داشته باشد، مهم نیست که این شخص تاج سلطنتی بر سر داشته باشد یا نه، یا او را پادشاه خطاب کنند یا سلطان؛ اگر شخصی اختیار تحمیل مجازات اعدام را داشته باشد، او یک پادشاه است. موسی دارای چنین قدرتی بود. آیا به خاطر می‌آورید آن شخص اسرائیلی را که در روز سبت از روی زمین هیزم جمع کرد و موسی او را سنگسار کرد؟ (سفر اعداد: ۱۵ / ۳۶) در انجیل حنایا دیگری نیز وجود دارد که موسی برای مجازات یهودیان مجرم حکم به اعدام داده است. محمد نیز قدرت زندگی و مرگ را نسبت به قوم خود داشت. مصادیقی در انجیل موجود است از کسانی که تنها موهبت پیغمبری را دریافت کردند اما قدرت اجرای فرامینی را که می‌دادند نداشتند. برخی از این مردان مقدس خداوند که در برابر انکار لجاجانه رسالتشان ناتوان بودند عبارت‌اند از: پیامبران لوط، یونس، دانیال، عزرا و یحیی تممیددهنده. آنها تنها توانستند رسالت را ابلاغ کنند اما قادر به اجرای شریعت نبودند. متأسفانه پیامبر مقدس عیسی نیز از این دسته است؛ چهار کتاب اول انجیل (عهد جدید) به روشنی این مسئله را تأیید می‌کند: هنگامی که عیسی را به اتهام فتنه‌انگیزی کشان کشان نزد فرماندار روم، پنتیوس پیلاتوس (Pontius Pilate)، بردند عیسی در دفاع از خود و در رد اتهامات وارده به نکته متقاعدکننده‌ای اشاره کرد؛ او گفت:

«پادشاهی من در این دنیا نیست، زیرا که اگر سلطنت من در این دنیا بود، پیروان من به مبارزه برمی‌خواستند تا به دست یهودیان نیفتیم. پادشاهی من در این دنیا نیست» (انجیل یوحنا: ۱۸ / ۳۶).

با این [سخن عیسی] پیلاتوس، که یک مشرک بود، متقاعد شد که عیسی از قدرت فکری کامل برخوردار نیست و از این رو نباید او را شکنجه داد، زیرا برای حکومت او خطری ندارد. عیسی تنها مدعی یک پادشاهی معنوی شد؛ به عبارت دیگر، او فقط ادعا کرد که یک پیامبر است. درست است؟» جناب کشیش پاسخ داد: «بله». گفتیم: «پس عیسی شبیه موسی نیست اما محمد شبیه موسی است.»

1. My kingdom is not of this world: If my kingdom were of this world, then would my servants fight, that I should not be delivered to the Jews; but now is my kingdom not from hence." (John 18:36)

۶- شریعت تازه، نه

«موسی و محمد شریعت تازه و احکام جدیدی برای مردم خود آوردند. موسی نه تنها «ده فرمان» را برای اسرائیلی‌ها آورد، بلکه شریعتی بسیار آیینی و فراگیر را برای هدایت مردم خود آورد. محمد به سوی مردمی برانگیخته شد که در وحشی‌گری و جهالت غوطه‌ور بودند؛ آنان با نامادری خود ازدواج می‌کردند؛ دخترانشان را زنده به گور می‌کردند؛ مشروب‌خواری، زنا، بت‌پرستی و قماربازی کار هر روزشان بود. گیبون (Gibbon) جامعهٔ قبل از اسلام را در مقالهٔ «افول و سقوط امپراتوری رم» (Decline and Fall of the Roman Empire) این‌گونه توصیف می‌کند: «بشری خشک و خشن، تقریباً بدون هیچ گونه احساسی، که به سختی از دیگر آفریده‌های حیوانی قابل تمایزند». به ندرت وجه تمایزی بین «انسان» و «حیوان» در آن روزگار وجود داشت؛ آنان حیواناتی بودند در قالب بشری.

محمد آنان را از این وحشی‌گری محض، به گفتهٔ توماس کارلیسل (Thomas Carlyle)، «به مشعل داران نور و دانش» ترقی داد. او می‌گوید:

«برای جامعهٔ عرب این اتفاق هم‌چون درخششی بود از تاریکی به نور. عربستان اولین بار با ظهور آن زنده شد. مردمی فقیر و چوپان که بدون این‌که مورد توجه قرار گیرند، از ابتدای خلقت در بیابانهای عالم برسه می‌زدند. بله، همین مردم بی‌ارزش مورد توجه سراسر دنیا قرار گرفتند و آن گروه اندک به گروهی بزرگ در عالم تبدیل شد. یک قرن پس از آن، عربستان از یک سو به گرانادا^۱ و از سوی دیگر به دهلی رسید. عربستان با درخشش در دلاوری و شکوه و جلال و تبدیل شدن به چراغ هوش و نوع، بر بخش بزرگی از جهان پرتو افشانی می‌کند...»

در واقع محمد شریعت و نظامی را به قومش عرضه کرد که پیش از آن هرگز از آن برخوردار نبود. و اما در مورد عیسی، هنگامی که یهودیان به او مظنون شدند که ممکن است او یک حقه‌باز با نقشه‌هایی برای تحریف کردن تعالیم آنان باشد، وی تقلا کرد به آنان تضمین دهد که او با دین جدیدی نیامده است - نه آیین جدیدی و نه قوانین و احکام تازه‌ای - من جملات خود او را نقل می‌کنم:

«کمان نکنید که آمده‌ام تا تورات یا نوشته‌های پیامبران دیگر را منسوخ کنم. نیامده‌ام که نابود کنم بلکه برای تکمیل کردن آنها آمده‌ام. به راستی به شما می‌گویم که از میان احکام تورات، هر آن‌چه که باید عملی شود، به یقین همه یک به یک عملی خواهد شد. تا آن زمان که آسمان و زمین پایان نیافته است، به اندازهٔ ذره‌ای و سرسوزنی نباید از طریق شریعت کم شود.»^۲ (انجیل متا: ۵ / ۱۷-۱۸).

۱- Granada (مرکز استان گرانادای اسپانیا).

2. "Think not that I am come to destroy the Law, or the Prophets: I am not come to destroy, but to fulfill. For verily I say unto you, till heaven and earth pass, one jot or one tittle shall in no wise pass from the Law, till all be fulfilled." (Matthew 5: 17-18)

به بیان دیگر، او با شریعت یا احکام جدیدی نیامد، بلکه برای تکمیل شریعت پیشین آمد. این چیزی بود که به یهودیان می‌گفت تا درک کنند... نه این که به مزاج یا یهودیان سخن می‌گفت و سعی داشت آنان را گول بزند تا وی را به عنوان فرستاده خداوند بپذیرند و با ترفند تلاش می‌کرد دین جدیدی را در خرخره آنان فرو کند. نه! این رسول خداوند هرگز به چنین ابزار کثیفی متوسل نشد تا دین خداوند را نابود سازد. در حقیقت، او شریعت را تکمیل و از فرامین موسی پیروی کرد و سنت را گراهی داشت هیچ‌گاه یک یهودی انگشت اشارت به سوی او دراز نکرد و نگفت که: «چرا روزه نمی‌گیری؟» یا «چرا دستانت را پیش از بریدن نان نمی‌شویی؟». آنان همواره شاگردان عیسی را به این امور متهم می‌کردند، اما در مورد خود او هرگز این کار را نکردند، زیرا او به عنوان یک یهودی واقعی به شریعت پیامبران پیش از خود احترام می‌گذاشت. کوتاه سخن آن که او همانند موسی و محمد نبود که دین جدیدی را ایجاد کند و شریعت تازه‌ای بیاورد.» از جناب کشیش پرسیدیم: «درست است؟» او پاسخ داد: «بله». گفتم: «پس عیسی شبیه موسی نیست اما محمد شبیه موسی است.»

۷- چگونگی رحلت

«هم موسی و هم محمد به صورت طبیعی از دنیا رفتند در حالی که بر اساس آیین مسیحیت، عیسی به صورت وحشتناکی بر روی صلیب گشته شد. درست است؟» جناب کشیش گفت: «بله». من با تأکید و حق به جانب گفتم: «پس عیسی شبیه موسی نیست بلکه محمد شبیه موسی است.»

۸- اقامت آسمانی

«موسی و محمد هر دو در زمین به خاک سپرده شدند، اما بر اساس اسلام، شما عیسی به آسمان رفت و در آنجا اقامت گزید. درست است؟» جناب کشیش پذیرفت. گفتم: «پس عیسی شبیه موسی نیست بلکه محمد شبیه موسی است.»

اسماعیل، اولین تولد

همان‌طور که جناب کشیش عاجزانه با هر موردی موافقت می‌کرد، گفتم: «جناب کشیش! تا این‌جا آن چه که من آن‌جام دادم تنها اثبات یک مورد از کل این بشارت بود: یعنی اثبات عبارت «شبهه تو (شبیه موسی)». این بشارت بسیار بیشتر از این یک، عبارت است؛ توجه کنید.

«من آنها را بالا خواهم برد، به پیامبری از میان برادرانشان شبیه تو...»^۱

۱. "I will raise them up a prophet from among their brethren like unto thee..."

نکته سر عبارت «از میان برادرانشان» است. در این جا موسی و قومش یهودیان به عنوان یک ریشه نژادی مورد خطاب قرار گرفته‌اند و به معنای دقیق کلمه منظور از «برادران ایشان» بدون شک اعراب خواهند بود. می‌دانید که انجیل از ابراهیم به «دوست خداوند» [خلیل الله] یاد می‌کند. وی دو همسر داشت: سارا و هاجر. هاجر برای ابراهیم یک پسر (در اولین تولد) (His first-born) به دنیا آورد: «... و ابراهیم^۱ پسرش را که هاجر او را به دنیا آورده بود اسماعیل نام نهاد» (سفر پیدایش: ۱۶ - ۱۵) «و ابراهیم فرزندش اسماعیل را بُرد...» (سفر پیدایش: ۱۷ / ۲۳) «و فرزندش اسماعیل زمانی که از پوست ختنه‌گاهش ختنه شد سیزده ساله بود.»^۲ (سفر پیدایش: ۱۷ / ۲۵).

تا سیزده سالگی اسماعیل تنها پسر و ذریه ابراهیم بود و این زمانی بود که میثاق بین خداوند و ابراهیم بسته شد. خداوند ابراهیم را پسر دیگری از سارا بخشید به نام اسحاق که بسیار کوچک‌تر از برادرش اسماعیل بود.»

اعراب و یهودیان

«اگر اسماعیل و اسحاق پسران یک پدر: یعنی ابراهیم، هستند پس برادر یکدیگرند. بنابراین فرزندان یکی برادران دینی فرزندان دیگری است. فرزندان اسحاق، یهودیان و فرزندان اسماعیل، اعراب هستند، بنابراین آنها برادران یکدیگرند. انجیل بر این نکته تأکید می‌کند:

«و او (اسماعیل) در حضور همه برادرانش زندگی می‌کرد.» (سفر پیدایش: ۱۶ / ۱۲) «و او (اسماعیل) در حضور همه برادرانش از دنیا رفت.»^۳ (سفر پیدایش: ۲۵ / ۱۸).

فرزندان اسحاق برادران نسل اسماعیل‌اند. شبیه همین، محمد از جمله برادران اسرائیلیان است، زیرا از نسل اسماعیل، پسر ابراهیم، بود. این به طور دقیق همان چیزی است که این بشارت می‌گوید: از میان برادرانشان (سفر تثنیه: ۱۸ / ۱۸). در این بشارت به طور مشخص بیان می‌شود که پیامبری که بعداً خواهد آمد و شبیه موسی است، از فرزندان اسرائیل یا از میان خودشان ظهور نمی‌کند بلکه از بین برادرانشان برانگیخته می‌شود. بنابراین محمد از بین برادرانشان بود!»

۱- بر اساس انجیل نام ابراهیم پیش از آنکه توسط خداوند به ابراهیم تغییر یابد ابرام (Abram) بود.

2. "... and Abraham called his son's name, which Hager bore, Ishmael" (Genesis 16: 15) "And Abraham took Ishmael his son...." (Genesis 17: 23) "And Ishmael his son was thirteen years old, when he was circumcised in the flesh of his foreskin." (Genesis 17: 23)

3. "And he (Ishmael) shall dwell in the presence of all his brethren." (Genesis 16: 12). "And he (Ishmael) died in the presence of all his Brethren." (Genesis 25: 18)

کلمات در دهان

«این بشارت در ادامه می‌گوید:

«... و من کلماتم را در دهان او خواهم گذاشت...»

معنای این عبارت که «من کلماتم را در دهان تو قرار خواهم داد» چیست؟ یادتان هست که از شما جناب کشیش) خواستم تا سفر تشبیه: فصل ۱۸، آیه ۱۸، ابتدای آن را باز کنید. اگر از شما می‌خواستم آن‌جا را بخوانید و شما می‌خوانید، آیا من کلماتم را در دهان شما قرار می‌دادم؟» جناب کشیش گفت: «خیر». ادامه دادم: «اما اگر قصد داشتم به شما زبانی هم‌چون عربی بیاموزم، که شما هیچ دانشی درباره آن ندارید، و از شما می‌خواستم آن‌چه را بر زبان می‌آورم پس از من بخوانید یا تکرار کنید که:

۱- قُلْ هُوَ اللَّهُ أُخَذُ

بگو اوست‌خدای یگانه.

۲- اللَّهُ الصَّمَدُ

خدای صمد [ثابت متعالی].

۳- لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

[کسی را] نزاده و زاده نشده است.

۴- وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أُخَذُ

و هیچ کس او را هم‌تا نیست. (اخلاص/۱-۴).

آیا من این کلمات ناآشنایی را که شما بر زبان جاری می‌کنید در دهانتان نگذاشته‌ام؟» جناب کشیش پذیرفت که حقیقتاً این گونه است. گفتیم: «به همین شیوه، کلمات قرآن کریم که توسط خداوند متعال بر محمد وحی شده است، نازل شد. نقل تاریخ این است که محمد چهل سال داشت که در درون غاری تقریباً در سه مایلی شمال شهر مکه بود. آن شب بیست و هفتمین شب از ماه رمضان [مسلمانان] بود. جبرئیل مقرب در غار به زبان مادری محمد به او فرمان داد که: اِقْرَأْ؛ یعنی: بخوان! یا اعلان کن! یا قرائت کن! محمد وحشت زده در بهت و حیرت پاسخ گفت: مَا أَنَا بِقَارِءٍ؛ یعنی: من خواندن نمی‌دانم! فرشته برای بار دوم به او فرمان داد و پاسخ همان بود. در بار سوم فرشته گفت:

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»

اکنون محمد درک می‌کند که آن‌چه از او خواسته شده تکرار و استماع مجدد است. و او کلمات را هم‌چنان که در دهانش گذاشته می‌شد تکرار می‌کند:

۱- اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ

بخوان به نام پروردگارت که آفرید.

1. "... And I will put my words into his mouth..."

۲- خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ

انسان را از علق (خون بسته) آفرید.

۳- اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ

بخوان و پروردگارت کریم‌ترین است.

۴- الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ

همان‌که (استفاده از) قلم را آموخت.

هُدَى عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمُ

آن‌چه را که انسان نمی‌دانست آموخت. (علق ۱-۵).

اینها پنج آیه نخستینی است که بر محمد وحی شد و اکنون در ابتدای سوره نود و ششم از قرآن کریم، سوره علق، قرار دارد.»

شاهد وفادار

فرشته بلافاصله آن‌جا را ترک کرد و محمد سراسیمه به خانه برگشت و در حالی که وحشت کرده بود و تمام بدنش خیس عرق بود از همسر محبوبش خدیجه خواست تا «او را بیوشاند». او دراز کشید و خدیجه در کنارش به مراقبت از او پرداخت. هنگامی که آرامش دوباره خود را به دست آورد، آن‌چه را دیده و شنیده بود برای خدیجه شرح داد. خدیجه از ايمان خود به او مطمئنش ساخت و به او تضمین داد که خداوند اجازه نخواهد داد چنین اتفاق سخت و وحشتناکی برای او رخ دهد. آیا اینها اعترافات یک انسان دغل‌باز است؟ آیا دغل‌بازان اعتراف می‌کنند که هنگامی که فرشته‌ای از جانب پروردگارشان با بیفاسی آسمانی با آنان ملاقات می‌کند، آنان به شدت می‌ترسند، وحشت زده و خیس عرق می‌شوند و به سوی همسرشان فرار می‌کنند؟ هر مستعدی می‌تواند درک کند که این عکس‌العملها و اعترافات برخاسته از انسانی پاک و خالص است؛ انسانی امین، پاک‌دامن، شریف و صادق.

در طول ۲۳ سال بعدی زندگی پیامبری‌اش، کلمات «در دهانش گذاشته می‌شد» و او آنان را بر زبان جاری می‌کرد. این کلمات بر قلب و ذهن او جاودانه نقش می‌بست و همان‌طور که بر میزان این متن مقدس (قرآن کریم) افزوده می‌شد، آنها را بر چرم، پوست و شاخ حیوانات و قلب صحابه وفادار ایشان ثبت و ضبط می‌کردند. پیش از رحلت ایشان، این کلمات به ترتیبی که امروزه در قرآن کریم شاهد آن هستیم تنظیم یافت.

در حقیقت کلمات (وحی) در دهان ایشان گذاشته می‌شد؛ به طور دقیق همان‌طور که در بشارت مورد بحث پیش از این گفته شد: «و من کلماتم را در دهانش خواهم گذاشت.» (سفر تنبیه: ۱۸ / ۱۸).

پیامبر امی

«تجربه محمد در غار حراء که بعدها به جبل‌النور؛ یعنی کوه نور، شهرت یافت، و پاسخ او به اولین

وحی، اجرای دقیق بشارت دیگری از انجیل است. در کتاب اشعیاوی نبی، سوره ۲۹، آیه ۱۲، می‌خوانیم:

«و این کتاب (کتاب القرآن: کتاب «خواندن» یا کتاب «وحی») بر او که بی‌سواد است (النبی الامی - قرآن کریم: اعراف / ۱۵۸) عرضه می‌شود و گفته می‌شود: از تو می‌خواهم این را بخوانی^۱، او می‌گوید: من سواد ندارم.»

(«من سواد ندارم» به طور دقیق ترجمه عبارت «مَا أَنَا بِقَارِءٍ» است - کلماتی که محمد هنگامی که فرمان داده شد اِقْرَأْ: بخوان، دو بار بر زبان روح یعنی فرشته مقرب جاری ساخت، اجازه دهید این آیه را به صورت کامل بدون هیچ بریدگی بخوانم، همان‌طور که در «ترجمه رسمی انجیل»^۲ که شهرت و محبوبیت بیشتری دارد، آمده است:

"And the book is delivered to him that is not learned, saying, read this, I pray thee: and he saith, I am not learned." (Isaiah 29:12)

شاید این نکته مورد توجه قرار گیرد که در قرن ششم از دوره مسیحیان؛ یعنی زمانی که محمد می‌زیست و به وعظ و نصیحت می‌پرداخت، هیچ انجیل عربی‌ای وجود نداشت؛ علاوه بر این، او کاملاً بی‌سواد و ناآموخته بود. هیچ کس او را کلمه‌ای نیاموخته بود و معلم او خالق او بود:

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ

و از سر هوس سخن نمی‌گوید.

إِن هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ

این سخن به جز وحیی که وحی می‌شود نیست.

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ

آن را او که شدیدالقوی است به او آموخت. (نجم/۳-۵)

بدون هیچ‌گونه آموزش بشری «او بر حکمت دانایان چیره شد».

اخطار حیاتی

به جناب کشیش گفتیم: «ملاحظه می‌کنید که چگونه این بشارت‌ها کاملاً با محمد جور است. ما مجبور نیستیم بشارت‌ها را بیشتر از این بگسترانیم تا اجرای دقیق آنها را در مورد پیامبر اسلام توجیه کنیم.»

۱- عبارت «از تو می‌خواهم» در متون مقدس عبری نیست؛ قس: «نسخه دواي» (Douay Version) کاتولیک‌های رومی و نیز «ترجمه باز ویراسته انجیل» (Revised Standard Versions) معروف به «نسخه استاندارد».

2. "Kings James Version" or "Authorized Version"

۲- امروزه انجیل عربی در دوازده متن و گویش مختلف مخصوص اعراب موجود است؛ ر.ک. "The Gospels in many tongues" که در میان جامعه مسیحی قابل دست‌یابی است.

جناب کشیش گفت: «تمامی توضیحات شما خیلی خوب به نظر می‌رسد، اما آنها نتیجه واقعی را دربرندارد، زیرا ما مسیحیان، عیسی مسیح را «تجسم» خداوند می‌دانیم، که ما را از اسارت گناهان رهایی بخشید!»

پرسیدم: «و این مهم نیست؟» خداوند این‌گونه گمان نمی‌کند! او ددرسرهای زیادی را تحمل کرد تا اخطارهایش ثبت شود و مورد توجه قرار گیرد. او می‌دانست که افرادی همانند شما خواهند بود که گستاخانه و بی‌خیال کلمات او را نادیده بگیرند و باور نداشته باشند، از این رو در سفر تثنیه: ۱۸ / ۱۸ با اخطاری شدید می‌گوید:

«او می‌آید تا به حقیقت برسد. هرکس به او گوش ندهد و به کلماتش که به نام من است توجهی نکند از او بازخواست خواهم کرد.»^۱

آیا این شما را نمی‌ترساند؟ خداوند متعال تهدید به انتقام‌گیری می‌کند! ما اگر یک تبهکار تهدیمان کند تمام بدنمان به رعشه می‌افتد، حال آن‌که شما از اخطارهای خداوند ترسی ندارید؟!

اعجاز اعجازها! در آیه ۱۹ از سفر تثنیه، سوره ۱۸، با بشارتی دیگر روبه‌رو می‌شویم که کاملاً با محمد منطبق است؛ به این عبارت توجه کنید: «.....کلماتم که او به نام من سخن خواهد گفت.» پرسش این است: «با نام چه کسی محمد سخن می‌گوید؟» قرآن را گشودم، ترجمه علامه یوسف علی، سوره ۱۱۴، سوره ناس؛ یعنی مردم - آخرین سوره، و عبارتی را که در بالای سوره آمده است به او نشان دادم: «بسم الله الرحمن الرحیم؛ به نام خداوند رحمان و رحیم» و نیز سرآغاز سوره ۱۱۳: «بسم الله الرحمن الرحیم؛ «به نام خداوند رحمان و رحیم» و سرآغاز سوره‌های قبل از آن؛ ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰.... همان عبارت را با همان معنای مشابه در هر صفحه داشت (سوره‌ها کوتاه بود و هر کدام تقریباً یک صفحه را در بر داشت).

«این بشارت چه می‌خواست؟» «.....که او به نام من سخن خواهد گفت.» و محمد به نام چه کسی سخن می‌گوید: «به نام خداوند رحمان و رحیم»؛ می‌بینید که این بشارت [با توجه به حروف هر دو عبارت] به طور دقیق اتفاق می‌افتد.

هر سوره‌ای از قرآن کریم به جز سوره نهم، سوره توبه، یا «بسم الله الرحمن الرحیم؛ به نام خداوند رحمان و رحیم» آغاز می‌شود. مسلمانان اعمال شرعی خود را نیز با این عبارت مقدس شروع می‌کنند، در حالی که مسیحیان اعمال دینی خود را با عبارت «به نام پدر، پسر و روح القدس»^۲ آغاز می‌کنند.

1. "And it shall come to pass that whosoever will not hearken unto my words which he shall speak in my name. I will require it of him."

۲- متکلمان مسیحی از آوردن نام خداوند نیز چشم‌پوشی می‌کنند، زیرا خدا یک نام نیست و البته پدر نیز یک نام نیست. نام او چیست؟ در این باره رک: "What is his name"، نوشته نویسنده.

با توجه به سوره هجدهم از سفر تثیبه من بیش از پانزده دلیل برای شما می‌آورم که نشان دهم چگونه این بشارت به محمد برمی‌گردد نه به عیسی.»

انکار عیسی توسط یحیی

«در دوران عهد جدید می‌بینیم که یهودیان هنوز منتظر اجرای دقیق بشارت «One Like Moses»: «شخصی شبیه موسی» بودند (ر.ک: یوحنا: ۱ / ۱۹-۲۵). در حالی که عیسی ادعا می‌کرد او مسیح یهودیان است، یهودیان به کنکاش پرداختند که الیاس کجاست. آنان نیز بشارتی دارند که می‌گویند بیش از آمدن مسیح، ابتدا الیاس برای بار دوم ظهور می‌کند. عیسی این اعتقاد یهودیان را تصدیق می‌کند:

«حق با آنها است، الیاس باید بیاید و کارها را روبه‌راه کند. در واقع او آمده است ولی کسی او را نشناخت... آن‌گاه شاگردانش فهمیدند که او درباره یحیی تعمیددهنده سخن می‌گوید.»^۱ (متا: ۱۷ / ۱۳-۱۱). بر اساس عهد جدید، یهودیان کسانی نبودند که سخنان هر کسی را که به زعم خویش مسیح بود با اشتیاق بپذیرند. آنان در تحقیقات خود به مشکلات سختی تن دادند تا مسیح خود را بیابند. این را تعالیم یحیی تأیید می‌کند:

«این سخن از یحیی ثبت شده است: زمانی که یهودیان کشیش‌ها و لایوان را از اورشلیم فرستادند تا از او بپرسند که کیست، او اقرار کرد که مسیح نیست.»^۲
(کاملاً طبیعی بود، زیرا نمی‌توانست دو مسیح^۳ در یک زمان وجود داشته باشد. اگر عیسی مسیح بود پس یحیی نمی‌توانست مسیح باشد!)

«پرسیدند: پس که هستی؟ آیا الیاس پیامبر هستی؟ پاسخ داد: نه!»^۴

(در این جا یحیی تعمید دهنده سخن عیسی را تکذیب می‌کند! عیسی می‌گوید یحیی «الیاس» است و یحیی انکار می‌کند آن کسی باشد که عیسی او را به آن وصف می‌کند.) یکی از این دو (عیسی یا یحیی)،

1. "... Elias truly shall first come, and restore all things. But I say unto you, that Elias is come already, and they knew him not... then the disciples understood that he speak unto them of John the Baptist." (Matthew 17: 11-13)

2. "And this is the record of John when the Jews sent Priests and Levites from Jerusalem to ask him, who art thou? And he confessed and denied not; but confessed, I am not the Christ."

۳. یهودیان انتظار تنها یک مسیح را می‌کشیدند نه دو مسیح.

4. "And they asked him, what then? Art thou Elias? And he saith I am not."

بشارت منتظر

سال پنجم / شماره هفدهم

خدایی نکرده قطعاً حقیقت را نمی‌گوید! بر اساس اقرار خود عیسی، یحیی تعمیددهنده بزرگ‌ترین پیامبر اسرائیلیان بود:

«مطمئن باشید در جهان تا به حال کسی بزرگ‌تر از یحیی نبوده است...»^۱ (متا: ۱۱، ۱۱).

ما مسلمانان یحیی تعمیددهنده را به حضرت یحیی - علیه السلام - می‌شناسیم و او را به عنوان پیامبر راستین خداوند تقدیس می‌کنیم. پیامبر گرامی عیسی که برای ما به حضرت عیسی - علیه السلام - شناخته شده است، نیز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رسولان خداوند متعال مورد احترام است. چگونه ما مسلمانان می‌توانیم به هر کدام از اینها نسبت دروغ دهیم؟ حل این مسئله درباره عیسی و یحیی را به خود مسیحیان وامی‌گذاریم، زیرا «متون مقدس» آنان انباشته از اختلافات و ناهم‌گونی‌هایی است که با عنوان «گفته‌های تاریک عیسی»^۲ بر آنها سرپوش گذاشته‌اند. ما مسلمانان مایلیم پرسش پیشین را نسبت به یحیی تعمید دهنده، که بزرگان یهود آن را مطرح کردند، مورد نظر قرار دهیم:

«آیا تو آن پیامبری؟ و او پاسخ داد: خیر.»^۳ (یوحنا: ۱/۲۱).

سه پرسش

لطفاً توجه کنید، سه پرسش مختلف و مجزا نسبت به یحیی تعمید دهنده و این که او در پاسخ، سه «نه» قاطع ارائه داد، مطرح می‌باشد، که به اختصار عبارت است از:

۱- آیا تو مسیح هستی؟

۲- آیا تو الیاس هستی؟

۳- آیا تو آن پیامبر هستی؟

اما عالمان دنیای مسیحیت تنها دو پرسش از پرسش‌هایی را که در این جا به آنها اشاره شد در نظر می‌گیرند. برای این که کاملاً روشن شود که یهودیان حقیقتاً سه بشارت مجزا در ذهن خود داشتند، آن زمان که از یحیی تعمیددهنده بازجویی می‌کردند، اجازه دهید بازخواست و سرزنش یهود از یحیی را در آیات زیر بخوانیم:

«پس از او پرسیدند: خوب، چه حقی دارید مردم را غسل تعمید دهید اگر

الف) نه مسیح

1. "Verily I say unto you, among them that are born of women there has not risen a greater than John the Baptist: ..." (Matthew 11:11).

2. "dark saying of Jesus"

3. "And thou that prophet? And he answered no." (John 1:21)

ب) نه الیاس
ج) و نه آن پیامبر
هستید؟» (یوحنا: ۱ / ۲۵)

یهودیان منتظر اجرای دقیق سه بشارت مجزا بودند: ۱- آمدن مسیح ۲- آمدن الیاس ۳- آمدن آن پیامبر.

آن پیامبر

با کنکاش در حواشی انجیلی که کشف‌الآیات یا فهرست ارجاعات دارد، جاهایی که کلمات «پیامبر» یا «آن پیامبر» در کتاب یوحنا: ۱ / ۲۵ آمده است، در می‌یابیم که این کلمات به بشارت سفر تثبیه: ۱۸ / ۱۵ و ۱۸ اشاره دارد. همچنین، با بینمای قوی و کوبنده ثابت کردیم که این «آن پیامبر»، «پیامبری شبیه موسی» یا «شبیه تو»، محمد بود نه عیسی.

ما مسلمانان انکار نمی‌کنیم که عیسی همان «مسیح» بوده، که در ترجمه انگلیسی به Christ ترجمه می‌شود. و نیز «هزار و یک بشارتی» را که مسیحیان ادعا می‌کنند به فراوانی در عهد قدیم وجود دارد. همچنین آمدن مسیح را که بشارت می‌دهد، رد نمی‌کنیم. آن چه می‌گوییم آن است که سفر تثبیه: ۱۸ / ۱۸ به عیسی مسیح اشاره ندارد بلکه یک بشارت صریح دربارهٔ پیامبر اکرم محمد است.

جناب کنشیش بسیار محترمانه مرا از سر گذرانده و گفت که بسیار بحث جالبی بود و به شدت علاقمند است تا روزی پیامبر و جماعتش را در این موضوع مورد خطاب قرار دهم. اکنون یک دهه و نیم از آن زمان می‌گذرد اما هنوز انتظار این فرصت را می‌کشم.

من عقیده دارم که جناب کنشیش در آن زمان صادقانه این پیشنهاد را ارایه کرد، اما غرض‌ها و تعصبات سرسخت همواره وجود داشته و دارد؛ و البته هیچ‌کس دوست ندارد کاشانه خود را خراب ببیند!

آزمون نهایی

به مظلومان مسیح می‌گویم که چرا مراقب آن آزمون نهایی و اصلی نباشیم که استاد خود شما خواست تا بر هر کسی که مدعی نبوت است صدق دهید؟ او گفته است:

«همان‌طور که درخت را از میوه‌هایش می‌شناسند ایشان را نیز می‌توان با اعمالشان شناخت، آیا انگور از خار یا انجیر از خاربن به عمل می‌آید؟ هر درخت خوبی میوه‌ای خوب به بار خواهد نشانند و هر درخت بدی میوه‌ای بد... بلی، پیامبران دروغین را می‌توانید با اعمالشان بشناسید.» (متا: ۷ / ۱۶-۲۰).

1. "And they asked him, and said unto him, why Baptizest thou then, if thou be

- (a) Not the Christ
- (b) Nor Elias
- (c) Neither that Prophet?" (John 1:25)

پیش‌گفتار

سال پنجم / شماره هفدهم

چرا می‌ترسید که این آزمون را بر تعالیم محمد صدق دهید؟ شما در آخرین عهد خداوند - قرآن کریم - اجرای دقیق تعالیم موسی و عیسی را، که آوردن صلح و سعادت لازم برای جهانیان است، خواهید یافت. «اگر انسانی شبیه محمد قدرت مطلق دنیای مدرن را به دست گرفته است، پس او در حل مشکلات دنیا موفق خواهد بود و صلح و سعادت لازم را برایشان خواهد آورد.» (جرج برنارد شو^۱)

بزرگ‌ترین

محله خبری هفتگی «تامیم» در تاریخ ۱۵ جولای ۱۹۷۴ گزیده‌ای از نظرات مورخان، نویسندگان، نظامیان، بازرگانان و دیگران را درباره این پرسش که: «رهبر عظیم تاریخ کیست؟» ارائه داد. برخی گفتند هیتلر، دیگران گفتند گاندی، بودا، لینکن و افرادی از این دست. اما جولز ماسرمن^۲، روان‌شناس آمریکایی، با ارائه ملاک‌هایی صحیح، استانداردهایی را برای قضاوت در این مورد عرضه کرد؛ او گفت: رهبران باید وظایف خود را به صورت کامل انجام دهند:

- ۱- تأمین سعادت و رفاه آنان که رهبری می‌شوند؛
- ۲- تهیه سازمانی اجتماعی که مردم تا اندازه‌ای در آن احساس امنیت کنند؛
- ۳- آماده‌سازی آنان با دسته‌ای از اعتقادات.

بر پایه این سه ملاک، او تاریخ را مورد مطالعه و تحلیل قرار داد - هیتلر، لویی پاستور، قیصر، کنفوسیوس و بسیاری دیگر - و در نهایت به این نتیجه رسید:

«افرادی هم‌چون پاستور و سالک رهبران دسته نخست هستند. افرادی هم‌چون گاندی و کنفوسیوس از یک سو و الکساندر، قیصر و هیتلر از سوی دیگر رهبران دسته دوم و شاید هم سوم هستند. عیسی و بودا نیز فقط به دسته سوم تعلق دارند. شاید بزرگ‌ترین رهبر همه دوران‌ها محمد باشد که هر سه وظیفه را یکجا جمع کرد، و در درجه‌ای پایین‌تر موسی نیز این گونه عمل کرد.»

بر اساس استانداردهای عینی که توسط استاد دانشگاه شیکاگو ارائه شد، آنهایی را که من معتقدم یهودی هستند؛ یعنی، عیسی و بودا، به هیچ عنوان جزء رهبران بزرگ بشر نیستند، اما با تطبیق غیر عادی گروه‌های موسی و محمد بر یکدیگر، این استدلال محکم‌تر می‌شود که عیسی شبیه موسی نیست اما محمد شبیه موسی است. (سفر تثنیه: ۱۸ / ۱۸: «شبه تو، شبه موسی»).

1. "By their fruits ye shall know them. Do men gather grapes from the thorns, or figs from the thistles? Every good tree will bear good fruit and every evil tree will bear evil fruit... By their fruits you shall know them." (Matthew 7: 16 -20)

2. George Bernard Shaw

3. Jules Masserman

در پایان و به عنوان نتیجه، سختم را با جمله‌ای از پدر روحانی مسیحی و مفسر انجیل و به دنبال آن سخن استادش پایان می‌بخشیم:

«ملاک واقعی و غایی یک پیامبر راستین ویژگی‌های اخلاقی تعالیم اوست.» (استاد داملو)^۱
«با اعمالشان، آنها را خواهی شناخت.»^۲ (عیسی مسیح)

✽✽✽✽



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمایش مجله

سال پنجم / شماره هفدهم

1. Prof. Dummelow
2. "By their fruits ye shall know them".